

## بررسی آموزه های تفسیری خطبه فدکیه ۲

«قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّثِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً».[۱]

### مقدمه

بنا بود این چند روز، راجع به مباحث تفسیری «خطبه فدکیه» صحبت کنم. این خطبه ارزشمند را مرحوم شیخ صدوق و سید مرتضی و بسیاری از بزرگان نقل کرده اند. در جلسه پیشین اشاره شد که این خطبه حاوی یک دوره معارف اسلامی است و به بیش از بیست آیه در آن استشهاد شده است. به عبارت دیگر، حضرت زهرا علیها السلام روش تفسیر قرآن را در این خطبه به ما یاد می دهد، اینکه چگونه باید از آیات برداشت کنیم. و نیز بیانات ارزشمندی در رابطه با نقش قرآن در جامعه دارد، لذا این خطبه می تواند جایگاه بلند و ارزشمندی در فرهنگ دینی داشته باشد.

### هدایت دکتر عبدالمنعم حسن

دکتر عبدالمنعم حسن، سنی بوده که شیعه شده است. علت شیعه شدنش را خودش به آموزه های خطبه فدکیه حضرت زهرا علیها السلام نسبت داده است. کتابی دارد به نام «بُنُورِ فَاطِمَةَ إِهْتِدَايْتُ»؛ یعنی من به نور حضرت زهرا علیها السلام هدایت یافتم. کسانی که استبصار و تحول مذهبی پیدا کرده اند متأسفانه فضای سیاسی دنیا اجازه نمی دهد آثار آنها منتشر گردد، آمارشان رو به افزایش است. برخی از این افراد سابقه علمی زیادی دارند، مثل ادريس حسینی که کتابی دارد به نام «قَدْ شَيعَنِي الْحُسَيْنُ» امام حسین علیه السلام مرا شیعه کرد.

اما عبدالمنعم حسن در مقدمه کتابش عبارات خیلی عجیبی راجع به خطبه فدکیه دارد، یکی از تعبیراتش این است که می گوید: روزی خطیبی خطبه فدکیه را داشت می خواند، من نیز گوش می کردم - در زمانی که هنوز شیعه نبودم - پس از شنیدن آن تعبیرش این است: «كَالْسَّهْمِ فِي أَعْمَاقِي؛ مثل تیری نشست به دلم» بعد می گوید: هر چه فکر کردم، دیدم «لَا تَخْرُجُ مِنْ شَخْصٍ عَادِيٍّ وَ إِن كَانَ عَالِمًا» این خطبه با این زیبایی و فصاحت از یک آدم عادی نمی تواند صادر شده باشد، ولو اینکه او عالم و دانشمند باشد! لذا این خطبه زخم دلم را مرهم گذاشت، جراحات مرا التیام بخشید. پس از آن تحقیق کردم و کم کم آمدم با معارف شیعه آشنا شدم.

سخن من راجع به بحث های قرآنی این خطبه است. و إلا اگر خود خطبه را بخواهیم کلمه به کلمه بحث کنیم نیاز به جلسات زیادی دارد.

### شرایطی که خطبه در آن ایراد شد

در ابتدا دو - سه جمله راجع به نحوه آمدن حضرت زهرا به مسجد بگویم. خواهران گرامی اگر عنایت کنند ممکن است برایشان راه گشا باشد. حضرت زهرا علیها السلام از خانه بیرون آمد تا به مسجد بیاید، قرار است که در مسجد صحبت کند آن هم در جمع افراد زیادی از مهاجر، انصار، حتی اهل سقیفه.

با این درآمد می خواهم نقش اجتماعی یک زن را خدمت شما عرض کنم. تعبیر تاریخی قضیه این است که «لَأَنْتِ خِمَارَهَا» «خمار» یعنی روسری، روسری هایی که علاوه بر سر و گردن، بازوان را تا روی دست می گیرد، نه مقنعه و روسری های کوچک که الان بعضی از این روسری ها بودشان با نبودشان یکی است. مثل «رمانی» که وسط سر را می گیرد و از پشت و پیش سر همه مو بیرون می ماند. این روسری ها گاهی پارچه هایی است که روی سر کودکان می اندازد؛ اما در روزگار ما گاهی دیده می شود افراد بزرگ آن را سر می کنند. به هر حال یا برای رفع تکلیف است یا مانع شدن از برخورد، طوری که گفته شود حجابی وجود دارد.

بعضی از شارحین نوشته اند خمار - که در قرآن هم تعبیر «خمرهن» دارد - در لغت به مقنعه و روسری که تا روی بازو را می گیرد معنی شده است. حضرت علیها السلام نخست روسری بلندی را پوشید، در واقع روی سر و بازویش را کامل پوشاند بعد «وَاسْتَمَلَتْ بِجِلْبَابِهَا». توصیه می کنم به این دو واژه دقت کنید، یکی «خمار» و دیگری «جلباب» که در خطبه آمده است.

در قرآن هم تعبیر «جَلَابِيهِنَّ» آمده است. در مقدمه خطبه که حضرت چگونه به مسجد آمد جلباب را به پیراهن های بسیار بلند که تا روی پا را می گیرد و گشاد است معنا می کند. تقریباً شبیه همین چادرهای عربی است که سرتاسر بدن را می پوشاند. متنها شاید ترکیب و شکش با چادر امروزی متفاوت بوده است، در تعبیر دارد که حتی تا نوک پا و تمام بدن را می پوشانیده است.

حضرت نخست پیراهن بلند (جلباب) را پوشیده و پس از آن روسری را، حالا می خواهد به مسجد برود. از خانه تنها بیرون نیامد تعبیر سوم این است: «وَأُقْبَلَتْ فِي لُحْمَةٍ»؛ وسط یک گروهی که دور تا دور زهرا را گرفته بودند «مَنْ حَفَدَتْهَا وَنِسَاءِ قَوْمِهَا» همه محارم و آشنایان حضرت بودند. کسانی مثل اسماء، فضه، ام ایمن، بنابراین با سه پوشش و مانع و حریم، به سمت مسجد آمد؛ «وَأَشْتَمَلَتْ بِجِلْبَابِهَا وَأُقْبَلَتْ فِي لُحْمَةٍ مِنْ حَفَدَتِهَا وَنِسَاءِ قَوْمِهَا».[۲]

این را می خواهم عرض کنم، برای اینکه اسلام با نقش اجتماعی زن مخالف نیست. نمونه اش این است که حضرت زهرا علیها السلام آمد خطبه خواند، صحبت کرد، دفاع کرد، اما نحوه حضورش را در جامعه ببینید. خانم محترم می تواند دانشگاه برود، دبیرستان برود، تحصیل کند، پزشک، شاعر، سخنران شود، اما ملاحظه جوانب و مسایل و ویژگی هایی را که یک زن مسلمان باید رعایت کند در نظر بگیرد.

بهترین الگوی ما که امام معصوم علیه السلام است، می فرماید: الگوی من مادرم حضرت زهرا علیها السلام است.[۳] شخصیتی که امیرالمؤمنین علیه السلام و اهل بیت به وجودش افتخار می کنند.

### **فدک، بهانه بود**

حال حضرت زهرا علیها السلام می خواهد بلند شود و مسجد بیاید، بحث فدک هم وجود دارد. می تواند بگوید حق من را بدهید؛ اما نه، فدک بهانه است. به همین جهت شروع کرد به خواندن خطبه مفصلی راجع به آثار اعمال، چقدر کارشناسانه است! توصیه می کنم عزیزان این بیست مورد راجع به آثار اعمال را در این خطبه ببینید. به طور ریز و دقیق وارد شده است که ایمان چه اثری دارد، نماز چه اثری دارد، جهاد چه اثری دارد و اینها را یکی یکی بر شمرده است.

آثاری را که حضرت زهرا برای اعمال دینی بر شمرده طبق بررسی یکی از عزیزان بیست مورد از این نکات با آیات قرآن منطبق بوده و حضرت در واقع از قرآن برداشت کرده است.

## دوری از قرآن، عامل بدبختی است

عزیزان! کنار حرم کریمه اهل بیت به این مطلب خوب گوش کنید! حضرت فرمود: چرا قرآن را کنار گذاشته اید «أَنْتِ تُؤْفَكُونَ»؛ چرا از قرآن روی گردانیده اید؟ «كِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ»؛ قرآن را داور قرار بدهید و ببینید که چه می گوید. اگر داور را قرآن قرار دهیم آیا اجازه اذیت به اهل بیت پیغمبر را به خود می دهید؟ آیا اجازه آزار مؤمنین را به خود می دهید؟ آیا اجازه غصب حق دیگران را به خود می دهید؟

## ویژگی های قرآن

چقدر زیبا حضرت زهرا قرآن را معرفی می کند من اول معرفی ایشان را بیان کنم بعد سراغ خطبه خواهم رفت. حضرت فرمود: قرآن چند ویژگی دارد:

### ۱. قرآن شفاف است

«أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ»؛ قرآن مقاصدش آشکار است. وقتی کسی به اوپس گفت - در نقل دیگری داریم به بهلول گفته شد - که آیا من اهل بهشتم یا اهل جهنم؟ وی گفت: قرآن را باز کن، و ببین! می فرماید: «إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ \* وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ» [۴]؛ ابرار به بهشت و فجّار به جهنم می روند. حالا ببین تو جزء ابراری یا جزء فجّار.

بنابراین قرآن خیلی آشکار است اگر می خواهید ببینید که اهل بهشت هستید یا نه؟ سوره معارج را باز کنید، خواهید دید که هشت - نه صفت آنجا شمرده شده است. بعد می فرماید: کسانی که این ویژگی ها را داشته باشند «فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ»؛ با سلام و صلوات و با کرامت به بهشت می روند. [۵] به قول یکی از مراجع (ره) می گفت: من گاهی قرآن را باز می کنم سوره مؤمنون و معارج را می بینم و می سنجم که چند تا از این صفات و ویژگی ها در من وجود دارد. «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ \* الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» [۶] می بینم که در نماز خشوع دارم یا ندارم؟ به عهدم عمل می کنم یا نمی کنم؟ در بعضی از جلسات گفته ام که شما سوره مبارکه اسراء را باز کنید آیات ۳۹ - ۲۳ را بخوانید. این ۱۸ آیه منشور قرآن است. اگر کسی بخواهد عصا را آیات قرآن را یک جا بیابد باید سراغ این هجده آیه برود.

این آیات را یک بار مرور کنید، ببینید که چه قدر زیبا ۱۴ ویژگی را بیان کرده است. بعد از این آیات هجده گانه که گفته شد قرآن می فرماید: مردم! اگر دنبال حکمت هستید و می خواهید مثل لقمان و داود حکیم باشید؟ [۷] «ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ» این ۱۴ ویژگی را کسب کنید. اگر کسب کردید حکیم می شوید. در روایت آمده که حکیم به نبوت و عصمت نزدیک است.

آیت الله سبحانی اسم تفسیرش را «منشور جاوید» گذاشته است ایشان در جلد اول این تفسیر چند عنوان از این نمونه ها را آورده است. مواردی که قرآن تابلو و الگو می دهد در سوره اسراء یک جا همین ۱۴ صفت آمده است. جای دیگری که الگودهی می کند آیات ۱۵۲ - ۱۵۱ سوره انعام است که ۱۰ صفت را برای ما بر می شمارد. در سوره فرقان ۱۲ ویژگی را بر می شمارد. سوره معراج و مؤمنون معیارهای مهمی را برای رفتار و آزمون انسان ارائه داده اند. درست است که گاهی اوقات قرآن مطالب را ریز کرده، ولی برخی از اوقات در یک جا جمع کرده است یکی از آن جاها سوره اسراء است. همین طور در سوره فرقان، مؤمنون و معارج نکاتی را جمع کرده است.

## تدبر در قرآن

وجود مقدس امام رضا علیه السلام فرمودند: من سه روز یک ختم قرآن می کنم. آقا! کسی که وارد باشد سی جزء را می تواند در ۷ الی ۸ ساعت ختم کند. حبیب بن مظاهر در یک شب قرآن را ختم می کرد. کسی که تسلط داشته باشد یک جزء از قرآن را در ۲۰ الی ۱۵ دقیقه می خواند. گفت: آقا چرا سه روز یک ختم قرآن می کنید؟ امام رضا علیه السلام فرمود: برای اینکه در آیاتش تدبر و تأمل می کنم. ببینم چقدر با این آیات منطبق هستم. [۸] روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام است که می فرماید: اهتمام شما به اتمام قرآن و سوره های آن نباشد، این طور نباشد که حتماً قرآن را تا آخرش بخوانم «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا» [۹]؛ قرآن را با ترتیل بخوانید. امام صادق و امیرالمؤمنین علیه السلام روایت بسیار زیبایی دارند که می فرمایند: اگر قرآن قصه دارد عبرت بگیرید، اگر امر دارد اطاعت کنید، اگر نهی دارد ترک کنید. اگر مثلی دارد از آن درس بگیرید، اگر احکامی دارد آن را پیاده و عمل کنید. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: قرآن هفت بخش است: اوامر، نواهی، ناسخ، منسوخ، محکم، متشابه، وعده؛ اگر وعده به بهشت است، و یا ترس از جهنم سفارش شده از آن تأثیر بگیرید.

## **سفارش مرحوم مجلسی (ره) به فرزندش**

بزرگان ما درباره اهمیت قرآن فراوان توصیه می کردند، مرحوم مجلسی اول - ملا محمد تقی - وصیت نامه ای برای پسرش «ملا محمد باقر» نوشته است که در آن وصیت نامه آورده است: پسر! با توجه به تجربه ای که دارم به تو سفارش می کنم که به سه چیز توجه کن؛ ۱- روزی یک جزء قرآن بخوان؛ ۲- در آن تأمل کن؛ - نمی گوید هر روز یک بار ختم قرآن کن - ۳- هر روز نامه امیرالمؤمنین به امام حسن مجتبی علیه السلام [۱۰] را بخوان. یکی از عزیزان، شرحی بر این نامه نوشته که اسم شرحش را «نخستین رساله اخلاقی» گذاشته است. مقصودش این است که اولین رساله اخلاقی که موجود و مکتوب در اسلام است همین نامه است. این نامه را بعد از جنگ صفین امیرالمؤمنین علیه السلام برای امام حسن علیه السلام نوشت.

مجلسی می نویسد: پسر! روزی یک جزء قرآن بخوان! حالا، زهرای مرضیه علیها السلام را ببینید که چقدر قشنگ قرآن را در مسجد معرفی کرد و گفت: «أَمْرُهُ ظَاهِرَةٌ»؛ قرآن آشکار و همه فهم است».

## **۲. احکامش روشن است**

«أَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ» احکام قرآن شفاف و بدون ابهام است.

## **۳. نشانه هایش روشن است**

«أَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ» قرآن کریم دارای اعلام و ستون های آشکار و نشانه های روشن و استوار است.

## **۴. نهی های قرآن معلوم است**

«زَوَاجِرُهُ لَائِحَةٌ» نهی های قرآن معلوم است، بدین معنا که چه کارهایی را نباید کرد مثل غیبت، تهمت، دروغ، کم فروشی، احتکار، ربا، همه به صورت واضح بیان شده است.

## **۵. امرهای قرآن واضح است**

«أَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ» اوامر قرآن نظیر: نماز، روزه، تقوا بسیار واضح بیان شده است.

## کنایه حضرت به اهالی سقیفه

بعد حضرت رو کرد به کسانی که در سقیفه بودند، و فرمود: «قَدْ خَلَفْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ» [۱۱]؛ مردم! شما قرآن را پشت سر قرار داده اید، اگر به قرآن عمل می کردید حق امیرالمؤمنین علی علیه السلام غصب نمی شد، اگر به قرآن عمل می کردید به خانه زهرا هجوم نمی آوردید، اگر به قرآن عمل می کردید حقی را که پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم به من داده بود (مزرعه فدک) غصب نمی کردید.

## آثار اعمال

حضرت زهرا علیها السلام پس از توصیف قرآن شروع به شمردن آثار اعمال نمود که من به برخی از آنها اشاره می کنم. کاش این ۲۰ مورد را می شد تابلو کرد! چه خوب است در ایام فاطمیه و عاشورا بعضی از تابلوها، پلاکاردها و پرچم ها مشتمل باشد بر سخنان این شخصیت ها، و در میان تکایا، خیابان ها و هیئت ها نصب گردد، تا هر کس نگاه می کند این سخنان در ذهنش نقش ببندد. در این ایام فاطمیه اول و دوم نیز می توان تابلوی زیبایی از این کلمات حضرت زهرا را نوشت به این مضمون که زنان و مردان! حضرت زهرا راجع به نماز، زکات، جهاد، قرآن، ایمان چنین فرموده است.

ما نباید فقط در نمایش دادن مصیبت اهل بیت علیهم السلام توقف کنیم، مصیبت فقط باید نمک آتش مجالس باشد. جای نمک و آتش هم نباید عوض گردد، به میزانی که جلسه متأثر باشد و مردم یاد رنج های اهل حقیقت بیفتند، اما باید دستورات و راه های زندگی آن بزرگواران را در میان بگذاریم و به مردم معرفی کنیم.

حضرت فرمود: «فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشَّرِّ» [۱۲] هر چیزی اثری، هر کُنشی واکنشی و هر عملی عکس العملی دارد. تأثیر و تأثر، خاصیت اشیاء جهان است؛ اما اثر ایمان چیست؟ اثر ایمان تطهیر است. بدین معنی که کافر نجس است اما وقتی به خدا ایمان آورد پاک می شود، قلبش از معصیت و وجودش از آلودگی پاک می گردد.

«فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشَّرِّ» خداوند تبارک و تعالی ایمان را عامل پاکیزگی از شرک قرار داد. برادران عزیز! خواهران گرامی! اگر کسی ذائقه اش سالم باشد نزدش ایمان محبوب است، اگر ذائقه اش سالم باشد گناه پیشش مذموم و ناپسند است. سوره حجرات را ببینید که می فرماید:

«حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ» [۱۳]

تنها آدم سالم می تواند بفهمد که شکر شیرین، سرکه ترش، و زهر نیز تلخ است. گاهی دیده شده است که به کسی شیرینی می دهید اما او می گوید: شیرین نیست، غذای خوش بو می دهید می گوید: بوی خوش ندارد. چرا این طوری است؟ چون مریض است. اگر کسی گناه را دوست داشت و لذت برد و جرأت بر ارتکاب گناه پیدا کرد و گفت: از معصیت خوشم می آید، از عبادت بدم می آید، معلوم می شود او مریض شده است.

## داستان

جوانی پیش پیغمبر اکرم آمد، از آنجا که جوان است و غریزه و شهوت دارد و شهوتش طغیان کرده، گفت: یا رسول الله! إني أحبُّ الزَّنا، من زنا و فحشا را دوست دارم؟! ببینید! حالا این دیگر ذائقه اش مریض شده است نمی گوید آمده ام ازدواج کنم.

درست است که انسان غریزه دارد؛ اما باید به شکل صحیح رفع گردد. چرا این قدر اسلام بر سنت ازدواج تأکید دارد؟ آماری که در تهران دیدم در یک سال از ۱۸۰۰۰ ازدواج ۱۰۰۰۰ آنها به دادگاه مراجعه داشته اند. کارشناسی می گفت: خیلی از این موارد نتیجه دوستی های ناپسند قبل از ازدواج بوده است. رابطه ها و رفت و آمدهای نامشروع باعث این آشنایی ها شده است.

دختری که دوست پسر دارد، و پسری که دوست دختر دارد اگر هفته ای پنج تا ده ساعت در خوشی بسر ببرند وقتی بعد ازدواج کرد و خواست همه هفته را زیر یک سقف باشد با وجود بیماری ها، ناملایمات، سختی ها و تندی ها، طبیعی است که مزه ها و شیرینی هایی که قبل از ازدواج چشیده در ذهنش تداعی می کند، و همسرش پیش او بد جلوه می کند، دائم آن دختر را به رخ همسرش می کشد، دائم به یاد گذشته می افتد، لذا افرادی که روابط نادرست پیش از ازدواج



دارند، وقتی وارد زندگی زناشویی می شوند، ذهنیت پیشین برایشان تداعی می شود، لذا از این خانم یا از این آقا دل زده می شود.

چرا اسلام اینقدر مخصوصاً روی دخترها تأکید دارد؟! بگذارید دختر در خانه شوهر با الفبای مسایل مردانه و زندگی زناشویی آشنا شود. اینها نکات مهمی است. جوان آمده می گوید: یا رسول الله! من از زنا خوشم می آید، دنبال خاموش کردن اطفای غریزه اش از راه ازدواج نیست.

افرادی هم می آمدند خدمت پیامبر که ما زن می خواهیم، حتی برخی از خانم ها و دختران می آمدند که ما شوهر می خواهیم و صریحاً می گفتند. اما این جوان آمده دنبال فحشا! حضرت دست مبارکش را به طرف سینه او آورد و جمله ای فرمود که خیلی زیباست، دعا کردند: «اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبَهُ وَ وَاغْفِرْ ذَنْبَهُ وَ حَسِّنْ فَرْجَهُ». سه چیز برایش از خدا خواست؛ ۱- خدایا! قلب این جوان را پاکیزه کن؛ یعنی قلب او مریض و آلوده شده. ۲- خدایا! گناهش را ببخش، از اینکه می گوید: من زنا را دوست دارم؛ ۳- خدایا! قوای جنسی این جوان را توفیق بده تا او بتواند خودش را کنترل کند. جوان کناری نشست و گفت: «یا رسول الله، اِنِّیْ لِأُقْبِضُ الزَّنا» [۱۴]؛ من از زنا بدم می آید دیگر از فحشا بدم می آید. پیامبر پزشک است «طَبِیبٌ دَوَّارٌ بِطَبِّهِ» [۱۵] با یک دعای پیامبر طرف سالم شد.

«حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ» [۱۶]. حالا حضرت زهرا علیها السلام در این خطبه می فرماید: ایمان تطهیر می کند، چه طور آب، نجاست را پاک می کند، چه طور وضو انسان را از حَدَث پاک می کند، چه طور زکات مال را پاک می کند، همان گونه ایمان هم باعث می شود تا شرک از زندگی انسان رخت بر بندد. این بیان زهرای مرضیه علیها السلام برگرفته از مبانی قرآن است: «يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشُّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» [۱۷]

جوان های عزیز، برادران و خواهران محترم! کاری کنید که ذائقه هایتان سالم گردد. خداوند نماز را برای شکستن کبر و غرور قرار داده است «وَالصَّلَاةُ تَنْزِيهًا لَّكُمْ عَنِ الْكِبَرِ» [۱۸] همین جمله را اگر انسان خوب توجه کند، برای زندگی اش کافی است.

نماز غرور و کبر آدم را می کشد، وقتی انسان خم می شود و بالاترین عضو بدن را که پیشانی است به پست ترین چیز یعنی خاک می گذارد و در حال سجده می گوید: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى» با این

حالت کبر را می شکند؛ لذا گاهی دیده می شود که کبر و غرور در آدم های بی نماز بیشتر است، نخوت در آنها بیشتر است. بنابراین نماز باعث می شود کبر در انسان از بین برود.

از معصوم علیه السلام نقل شده اینکه خداوند می فرماید: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ» [۱۹]؛ وای بر نمازگزاران، نمی گوید وای بر بی نمازان. وای بر کدام نمازگذار؟ امام می فرماید: وای بر نمازگذاری که نمازش را از اول وقت به تأخیر اندازند. مرحوم علامه طباطبایی (ره) از استادش «سیدعلی آقا قاضی» (قَدْ سَلَ اللَّهُ نَفْسَهُ الزَّكِيَّةَ) [۲۰] نقل می کند که فرمودند: اگر کسی مرتب نماز اول وقت را خواند و به مقامات عالی نرسید، مرا لعن کند! راه این است. «وَالصَّلَاةُ تَنْزِيهَا لَكُمْ عَنِ الْكِبَرِ» بنابراین زهرای مرضیه آثار ایمان، جهاد، عدالت و آثار مربوط به اعمال نیک را بیان کرده است به همین میزان اکتفا کنیم.

### چکیده سخن

خلاصه این شد که خطبه حضرت زهرا علیها السلام به نام «خطبه فدکیه» در منابع معتبر ذکر شده است. این خطبه عدّه زیادی را مثل عبدالمنعم حسن را شیعه و تحت تأثیر قرار داده است. این خطبه مبین حجاب، حیا، عفاف و بسیاری دیگر از آموزه های دینی است. زهرای مرضیه هنگام رفتن به مسجد برای ایراد خطبه، روسری بلند و لباس بلند یعنی «جلباب» بر تن کرد و در میان زن های مهاجر، انصار و اقوام در مسجد حضور یافت. خطبه ای ایراد کرد که فراتر از موضوع دفاع از فدک است. در آن آثار ایمان، آثار نماز، جایگاه قرآن و... را بیان فرموده است.

ان شاء الله بحث قرآنی را بنا دارم روزهای بعد ارائه کنم. سعی دارم هر روز یکی دو آیه از استشهادات حضرت را برای شما بخوانم و بگویم که چرا حضرت به آن استناد کرده و به چه دلیل این آیه را در این قسمت از خطبه آورده است.

### روضه حضرت زهرا (علیها السلام)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ

دعای فرج ولی عصر را می خوانیم. در روایت دارد، عصر و نزدیک غروب جمعه که می شد پیامبر اکرم اهل خانه را جمع می کرد، دعا می نمود و می فرمود: ساعتی در غروب جمعه است که

ساعت اجابت دعاست؛ لذا حضرت مقید بود هر جمعه اهل خانه اش را جمع و زیر آسمان دعا کند. ما هم از همین جا با قرائت دعای سلامتی امام زمان (ارواحنا لله الفداء) دو سه جمله ذکر مصیبت از مادر بزرگوارش زهرای مرضیه علیها السلام می خوانیم. «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا، وَقَائِدًا وَنَاصِرًا، وَدَلِيلًا وَعَيْنًا، حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا، وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا»

سحرخیز مدینه کی می آیی      الا ای بی قرینه کی می آیی

یا بن الحسن!

عزیزم مادرت چشم انتظار است      دوی درد سینه کی می آیی

\*\*\*\*

مادرا می آیم و حق تو احیا می کنم      دشمنانت را یکایک خوار و رسوا می کنم

روضه جانسوز می خوانم کنار قبر تو      چشم عشاق تو را از اشک دریا می کنم

امیرالمؤمنین می فرماید: شبی که پیغمبر را غسل دادم، او را در پیراهن خودش غسل دادم، بعد از آن که پیامبر را به خاک سپردم این پیراهن را پیش خودم نگه داشتم، پیراهنی که رسول الله با آن نماز شب خوانده و عبادت کرده متبرک است. بر تن اولین شخصیت جهان خلقت بوده است.

حضرت می گوید: اما خیلی توجه داشتم که فاطمه این پیراهن را نبیند. فاطمه یکی از این روزها امیرالمؤمنین را صدا زد، علی جان! خواسته و خواهشی دارم.

فاطمه جان! تو چه وقت از علی چیزی خواستی که علی توانسته باشد و انجام نداده باشد. علامه مجلسی در جلد ۴۳ بحارالانوار این جریان را نقل کرده است. عرضه داشت: یا اباالحسن! می شود پیراهنی را که بابایم را در آن غسل دادی برایم بیاوری. تا یک بار دیگر بوی بابایم را استشمام کنم. یک بار دیگر به یاد بابام اشک بریزم. امیرالمؤمنین پیراهن را آوردند، تعبیر این است: همین که

پیراهن را به زهرای مرضیه داد بی بی علیها السلام پیراهن بابا را روی چشمان و صورتش گذاشت  
«وَعُشِيَ عَلَيْهَا».[۲۱] طاقت نیاورد که بوی پیراهن بابا را استشمام کند.

یا فاطمه! پیراهن بابا را همین که دیدی بی هوش شدی، اما نبودی کربلا ببینی دختر ابا عبدالله نه  
تنها لباس بابا، بلکه بدن بابا را روی دست عمه دید. خودش را روی بدن انداخت: «عَمَّتِي هَذَا نَعَشُ  
مَنْ؟!»

«وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ».[۲۲]

---

[۱]. [نحل، ۹۷].

[۲]. [بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۲۱۶؛ احتجاج، ج ۱، ص ۹۷].

[۳]. [بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸ (قال الامام المهدی)].

[۴]. [انفطار، ۱۳ - ۱۴].

[۵]. [معارج، ۳۵].

[۶]. [مؤمنون، ۱ و ۲].

[۷]. [اسراء، ۳۹].

[۸]. [المناقب، ج ۴، ص ۳۶۰].

[۹]. [مزل، ۴].

[۱۰]. [نامه ۳۱ نهج البلاغه].

[۱۱]. [بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۲۲۳؛ احتجاج، ج ۱، ص ۱۰۰].

[۱۲]. [بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۲۲۳؛ احتجاج، ج ۱، ص ۱۰۰].

[۱۳]. [حجرات، ۷].

[۱۴]. [منتهی الامال، ص ۳۶ - ۳۷].

[۱۵]. [بحارالانوار، ج ۳۴، ص ۲۳۹].

[۱۶]. [حجرات، ۷].

[۱۷]. [لقمان، ۱۳].

[۱۸]. [بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۲۲۳؛ احتجاج، ج ۱، ص ۱۰۰].

[۱۹]. [ماعون، ۴].

[۲۰]. [مرحوم آقای قاضی از بزرگ عارفانی است که بیشترین تأثیر معنوی را با تربیت شاگردان  
مبرز خود در این عصر داشته است.]

[٢١]بحار، ج ٤٣، ص ١٥٧.

[٢٢]شعراء، ٢٢٧.